

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بتول سیدی*، دکتر فریبرز درتاج** و دکتر سیدعبدالمجید جلابی***

تاریخ دریافت: ۲۶ آبان ۱۳۸۷ تاریخ پذیرش: ۲۶ بهمن ۱۳۹۰

از آنجا که در نظام آموزشی متمرکز کنونی، کتاب درسی دنبال‌کننده هدف‌های آموزش ملی است، در این پژوهش تلاش شد تا براساس تحلیل محتوا به این پرسش پاسخ داده شود که «در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی تا چه میزان به مفاهیم و پیام‌های اقتصادی توجه شده است». بنابراین، پس از مطالعات نظری مقدماتی، الگوی مورد نظر برای تحلیل محتوا استخراج شد و پس از تعیین روایی و پایایی این الگو، کار تحلیل آغاز شد. برای این منظور، متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به استثنای ریاضی در سال تحصیلی ۸۶-۱۳۸۵ با استفاده از سیاهه گردآوری اطلاعات تحلیل شدند و پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی آنها در پنج نوع اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل و همچنین، دو شیوه ارائه مستقیم و غیرمستقیم شناسایی و تفکیک گردید. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مفاهیم اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، اقتصاد خرد، اقتصاد کار، اقتصاد کلان و اقتصاد خرد بیشترین میزان فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج پژوهش همچنین، نشان می‌دهد که میزان استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه پیام‌های اقتصادی متفاوت است. به طوری که مفاهیم مربوط به اقتصاد خرد، کلان، توسعه و بین‌الملل بیشتر به شیوه مستقیم و مفاهیم مربوط به اقتصاد کار بیشتر به شیوه غیرمستقیم ارائه شده‌اند. به طور کلی، برای ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی بیشتر از شیوه مستقیم استفاده شده است. تحلیل‌های انجام شده نشان می‌دهد که نظم خاصی بر ارائه پیام‌های اقتصادی در پایه‌های مختلف حاکم نبوده است و با آن که مفاهیم اقتصادی از پایه اول تا پنجم به صورت تصاعدی افزایش یافته است، این روند فراز و نشیب‌هایی دارد و دارای حرکت خطی نیست. در عین حال، ارائه مفاهیم

bsamizadeh@yahoo.com

dortaj@atu.ac.ir

jalaee44@gmail.com

* کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی

** دانشیار گروه روانشناسی تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی

*** دانشیار دانشگاه شهید باهنر

اقتصادی بیشتر به شیوه نظری و تئوری است. در پایان پیشنهاد می‌شود که در طرح مفاهیم اقتصادی در دوره ابتدایی، بایستی به برخی مفاهیم مربوط به اقتصاد خرد و اقتصاد کلان توجه بیشتری شود. همچنین، پیشنهاد می‌شود که افزون بر آموزش نظری مفاهیم اقتصادی، آموزش عملی این مفاهیم از روش به کارگیری بیشتر شیوه‌های فعال مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی، کتاب‌های درسی، دوره ابتدایی.

طبقه‌بندی JEL: O₁₀. H₀.

۱. مقدمه

شرایط اقتصادی بر همه ابعاد زندگی ما تأثیر می‌گذارد. محلی که زندگی می‌کنیم، آنچه می‌خوریم، نوع مدرسه و دانشگاهی که در آن تحصیل می‌کنیم، شغلی که انتخاب می‌نماییم، صلح و ثبات شهرها و کشورها همه متأثر از شرایط اقتصادی هستند. مسائلی مانند بیکاری، تورم، کاهش منابع طبیعی، فقر و... صفحات اول روزنامه‌ها و سرلوحه بیشتر برنامه‌های خبری رسانه‌های گروهی را تشکیل می‌دهند. رویارویی با چنین مشکلاتی مستلزم تلاش شهروندانی است که با به کارگیری معرفت لازم درباره مفاهیم و موضوعات اقتصادی، توانایی تصمیم‌گیری عاقلانه و آگاهانه را داشته باشند. زیرا معرفت و آگاهی اقتصادی آنها را قادر می‌سازد تا ابعاد اقتصادی مسائل را بهتر درک کنند، پیامدهای بلندمدت و کوتاه‌مدت تصمیم‌های اقتصادی را تعیین و ارزیابی کنند، آگاهانه در مسائل اقتصادی جامعه مشارکت کنند و با تطبیق معرفت اقتصادی جدید با گنجینه معرفتی قبلی به عنوان افراد برخوردار از سواد اقتصادی، نگرش‌های جدیدی را کسب نمایند. بنابراین، در عصر اقتصاد دانایی‌محور، دانش و آگاهی رکن اساسی موفقیت جامعه و نظام آموزشی از این لحاظ که مهم‌ترین عامل در دگرگونی نگرش‌ها و به دنبال آن رفتارهای بشر است، گذرگاه دستیابی به این دانش و آگاهی محسوب می‌شود. یکی از مقاطع مهم تحصیلی مقطع ابتدایی است و با توجه به اینکه در آموزش و پرورش متمرکز، کتاب‌های درسی در راستای انتقال دانش و معرفت نقش مهمی را ایفا می‌کنند و بسیاری از معلومات در بیشتر حوزه‌های معرفتی از طریق کتاب‌های درسی به شیوه‌های مستقیم و غیرمستقیم به دانش‌آموزان القا می‌گردد، انتخاب محتوای کتاب‌های درسی اهمیت زیادی دارد. بیشتر کشورها بر گنجانیدن مفاهیم و موضوعات اقتصادی در برنامه درسی دوره ابتدایی تأکید دارند. در کشور ما براساس رأی صادره در ششصد و چهلمین جلسه عالی

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۳۷

شورای آموزش و پرورش، اهداف اقتصادی ویژه‌ای برای دوره ابتدایی در نظر گرفته شده است که رسیدن به این اهداف از طریق کتاب‌هایی که می‌توانند دربرگیرنده مفاهیم و پیام‌های اقتصادی باشند امکان‌پذیر است. بنابراین، کسب آگاهی لازم در زمینه شناخت کتاب‌های درسی به منظور استفاده مطلوب از آنها در راستای تحقق اهداف اقتصادی ضروری به نظر می‌رسد.

۲. سواد اقتصادی و اهمیت آن

سواد اقتصادی یعنی توانایی تمایز گذاشتن بین افراد باسواد و افراد بی‌سواد، تشخیص رفتارهای اقتصادی مناسب و برخورداری از کمترین میزان دانش، مهارت‌های تحلیلی ویژه و نگرش هنگام برخورد با مسائل اقتصادی. شاپیرو^۱ سواد اقتصادی را توانایی تشخیص مسائل اقتصادی، فواید و هزینه‌ها، تجزیه و تحلیل انگیزه‌های شغلی، بررسی نتایج ناشی از تغییرات در شرایط اقتصادی و خط و مشی‌های دولتی، گردآوری و سازمان‌دهی شواهد اقتصادی و ارزیابی هزینه‌ها در برابر قیمت‌ها می‌داند. سواد اقتصادی، مجموعه‌ای از ایده‌های اقتصادی اساسی است که هر شخص با سواد و با فرهنگ بایستی از آن برخوردار باشد.^۲ سواد اقتصادی را می‌توان آگاهی از ایده‌های اساسی اقتصادی و کاربرد آنها برای تصمیم‌گیری درباره استفاده از منابع محدود تعریف کرد.^۳ سواد اقتصادی نوعی از دانش است که برای تسلط یافتن بر مجموعه معینی از موضوع‌های اقتصادی لازم است. بانزاک (۱۹۸۷) به عنوان متخصص برنامه‌ریزی درسی، این موضوع‌ها را چنین بیان می‌دارد:

۱. کمیابی
۲. منابع تولید
۳. سیستم‌های اقتصادی
۴. معاوضه
۵. مشوق‌های اقتصادی
۶. مبادله
۷. مدیریت اقتصادی

1. Shapiro (1996)

۲. دیترو ویت (۲۰۰۶)

۳. بانزاک (۱۹۸۷)

انجمن ملی آموزش اقتصاد نیز شهروندی را برخوردار از سواد اقتصادی می‌داند که پس از پایان دوره متوسطه، به ۲۰ محتوای استاندارد تعیین شده از طرف این انجمن، به‌طور کامل آشنا شده باشد. مورد سواد اقتصادی اهمیتی واضح دارد. دانش آموزان به عنوان نان‌آوران خانواده فردا، مصرف‌کنندگان، شهروندان و رأی دهندگان، بایستی بتوانند تصمیم‌هایی اقتصادی برای زندگی‌شان اتخاذ کنند. آنها به عنوان اعضای جامعه با اطلاعات اقتصادی فراوانی بمباران می‌شوند و ممکن است به علت نداشتن شناخت کافی گمراه شوند. بنابراین، آنها به توانایی قضاوت اقتصادی نیاز خواهند داشت.^۱ بیشتر مردم حق صحبت کردن و رأی دادن درباره مسائل اقتصادی را دارند. بنابراین، پرسشی که مطرح است چگونگی صحبت کردن و رأی دادن آگاهانه درباره این مسائل است. از این رو، سواد اقتصادی به دو دلیل لازم است:

۱. به عنوان وسیله ارتباطی میان مردم و ترکیب‌کننده واژگان اساسی و منطقی در اقتصاد

۲. به عنوان حوزه‌ای از دانش که بیشتر مورد نیاز همگان است.^۲

سواد اقتصادی در عملکرد جامعه ما سهم مهمی دارد. زیرا یک اقتصاد آزاد زمانی خوب کار می‌کند که مشارکت‌کنندگان، تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و سرمایه‌گذاران آن اطلاعات و آگاهی لازم را برای اتخاذ تصمیمات عاقلانه داشته باشند.^۳ اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی مهم در چارچوب نقش‌های مصرف‌کننده، تولیدکننده و سرمایه‌گذار زمانی فراهم می‌شود که افراد جامعه مفاهیم اقتصادی و کاربرد آنها را درک کنند و تصمیم‌های اقتصادی مؤسسه‌ها، دولت و افراد را تشخیص دهند. سواد اقتصادی برای سلامت اقتصاد ملی در هر جامعه‌ای امری حیاتی است. سواد اقتصادی به شهروندان اجازه می‌دهد که طرح‌هایی را برای آینده مالی موفق تدوین کنند، درک بهتری از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت داشته باشند و مهارت‌های لازم برای رسیدن به اهداف شخصی مانند پس‌انداز، آموزش عالی و سرمایه‌گذاری را کسب کنند.^۴

واقعیت مهم آن است که عده زیادی از شهروندان به خاطر نداشتن سواد اقتصادی در رنج هستند. در حقیقت، منصفانه است بگوییم که بیشتر مردم نمی‌توانند درک کنند چه عواملی بر شرایط اقتصاد بازار تأثیر می‌گذارد. آنها همچنین، درباره وضعیت بازار کار و بازارهای بین‌المللی سردرگم و بدفهمی شدیدی درباره این که دولت مالیات‌های وصول شده از مردم را در

1. Tobin (1986)

۲. استیگلر، (۲۰۰۵)، به نقل از والس‌تاد

۳. ریولین (۲۰۰۵)، به نقل از والس‌تاد

۴. سانتامرو (۲۰۰۳)

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۳۹

چه راهی خرج می‌کند، دارند و نسبت به شرایط اقتصادی جامعه بدبین هستند.^۱ برنر^۲ در آزمون‌هایی که از بزرگسالان و دانش‌آموزان دبیرستانی در آمریکا به عمل آورد وضعیت سواد اقتصادی در این جامعه را به خوبی آشکار ساخت. نتایج آزمون ایشان نشان داد که ۴۹ درصد بزرگسالان و ۶۶ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی نمره (د) را که معرف پایین‌ترین میزان سواد اقتصادی بود کسب کردند. در حالی که فقط ۶ درصد بزرگسالان و ۳ درصد دانش‌آموزان دبیرستانی نمره (الف) را که معرف بالاترین میزان سواد اقتصادی بود به دست آوردند. یانگکیم (۲۰۰۰) دلایل عمده برای توجه به سواد اقتصادی و نقش آموزش و پرورش در این خصوص را چنین بیان می‌کند:

- روح شهروند بالغ و مشارکت‌جو برای توسعه جامعه ضروری است و این ویژگی باید از طریق رشد سواد اقتصادی در مدارس تحقق یابد.
- فواید کاربردی و نقش اقتصاد در زندگی اجتماعی انکارناپذیر است. بنابراین، این مقوله باید سرلوحه برنامه‌های درسی مدارس از ابتدایی تا پایان متوسطه قرار گیرد.
- جهان به تدریج به دهکده‌ای یکپارچه تبدیل می‌گردد. در چنین شرایطی، توسعه و موفقیت نیازمند ذهن‌هایی باز است که به‌طور سیستمی و جهانی فکر کنند. آموزش و پرورش مسئول پرورش و تربیت این ذهن‌ها است.

دانش‌آموزان هر روز با دامنه گسترده‌ای از تصمیم‌های اقتصادی روبه‌رو می‌شوند. بنابراین، برنامه درسی مدارس بایستی به آنها در یادگیری مفاهیم اقتصادی و مهارت‌های تصمیم‌گیری کمک کند.

۳. اهمیت آموزش اقتصاد در دوره ابتدایی

بیشتر شهروندان نمی‌توانند درک کنند که مشکلات اقتصادی چگونه به وجود می‌آیند و رهبران جامعه چگونه برای حل آنها تلاش می‌کنند. این مشکل ناشی از عدم تأکید کافی بر اقتصاد در برنامه‌های درسی مدارس ابتدایی است. بنابراین، جای هیچ شکلی نیست که آموزش ابتدایی در آماده کردن شهروندان آگاهی که بتوانند مشکلات اقتصادی را درک و آنها را حل نمایند، ضروری است.^۳

1. Kaplan (2006)
2. Brenner (1999)

منتظر گذاشتن دانش‌آموزان برای آموزش اقتصاد به آنها در دوره دانشگاه عاقلانه نیست. زیرا بیشتر دانش‌آموزان تحصیلات رسمی خود را در پایان دوره متوسطه کنار گذاشته و وارد بازار کار می‌شوند. حتی آن دسته از دانش‌آموزانی که وارد دانشگاه می‌شوند، ممکن است واحد درسی اقتصاد را انتخاب نکنند. به طوری که براساس تحقیق زیگفرید (۲۰۰۰) حدود ۶۳ درصد فارغ‌التحصیلان دبیرستان‌های آمریکا وارد دانشگاه می‌شوند و فقط حدود ۴۰ درصد واحد اقتصاد را انتخاب می‌کنند. بنابراین، بهترین فرصت برای آموزش اقتصاد دوره ابتدایی است. آموزش اقتصاد را باید از مدارس ابتدایی شروع کرد. زیرا بچه‌ها پیش از آن در خانه تاحدودی با شیوه‌های تصمیم‌گیری اقتصادی آشنا شده‌اند و توانایی درک دنیای اقتصادی پیرامون خود را دارند. تحقیق سایر^۱ و والستاد^۲ آشکار کرد که دانش‌آموزان مدارس ابتدایی می‌توانند اقتصاد را به خوبی یاد گیرند. آنها درک قابل توجهی از دامنه وسیعی از مفاهیم اساسی اقتصاد، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل دارند.

۴. جایگاه اقتصاد در برنامه درسی مدارس ابتدایی

میلر (۱۹۸۸) معتقد است که سواد اقتصادی یکی از جوانب ضروری آموزش عمومی برای شهروندان است. ایشان تأکید می‌کند که مفاهیم اقتصادی اساسی را باید در برنامه درسی هسته‌ای و تجارب معمولی یادگیری دانش‌آموزان مدارس ابتدایی قرار داد.

در مدارس ابتدایی مهم‌ترین شیوه قرار دادن اقتصاد در برنامه درسی، تلفیق و درهم تنیدن موضوع‌های اقتصادی با دیگر حوزه‌های محتوایی است. زیرا این شیوه باعث یادگیری همه‌جانبه و منسجم در دانش‌آموزان می‌شود. ساندرز و همکاران (۱۹۹۹:۹) برنامه درسی اقتصادی مطلوب برای دوره ابتدایی را چنین توصیف می‌نمایند.

- در این برنامه باید به تسلط بر مفاهیم اساسی اقتصاد تأکید شود. زیرا اقتصاد مانند رشته‌های دیگر، ابزار تحلیل خاص خود را دارد و دانش‌آموزان باید این ابزار را به خوبی بشناسند.

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۴۱

- به درک دانش‌آموزان درباره اینکه چگونه مفاهیم اساسی اقتصاد با هم مرتبط می‌شوند، کمک نماید. زیرا چنین درکی دانش‌آموزان را قادر خواهد ساخت که درباره مسائل اقتصادی در دنیای واقعی بحث کنند و مانند بزرگسالان با این مسائل برخورد نمایند.
- درک دانش‌آموزان از ساختار اقتصاد را مدنظر قرار دهد. زیرا به واسطه این درک است که دانش‌آموز می‌تواند بفهمد اجزا و دوره‌های مختلف اقتصادی چگونه با هم به تعامل می‌پردازند.
- به دانش‌آموزان به کارگیری شیوه‌های اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی را بیاموزد. به‌طور کلی، می‌توان اهداف بلندمدت زیر را در برنامه درسی آموزش اقتصاد در مدارس ابتدایی قرار داد.
 - ایجاد دانش پایه، مهارت‌ها، نگرش‌ها و عادت‌های درست در کودکان به منظور تبدیل آنان به شهروندان خوب و پرورش روحیه مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی در آنها.
 - آماده‌سازی کودکان برای زندگی و فراهم آوردن فرصت آموزش‌های بالاتر در آنان برای بار آوردن افراد آگاه به مسائل اقتصادی کشور خود و کشورهای دیگر.

۵. آموزش اقتصاد در چند کشور توسعه‌یافته

آموزش اقتصاد در آلمان

به‌طور نسبی توصیف آموزش اقتصاد در آلمان به علت این که ۱۶ ایالت این کشور در سیاست‌های آموزشی خود تقریباً مستقل هستند، مشکل است. بنابراین، در آموزش اقتصاد یکپارچگی وجود ندارد. با این وجود، طرح موضوع‌های اقتصادی در کلاس‌های درس یکی از مهم‌ترین موضوع‌های قابل بحث در سیستم آموزشی آلمان است. به‌طور کلی اهداف کلی آموزش اقتصاد در این سیستم عبارتند از:

- آماده کردن افراد برای برخورد صحیح با موقعیت‌های اقتصادی در زندگی: آموزش اقتصاد بایستی افراد را برای نقش‌هایشان در هر موقعیت از زندگی اقتصادی به عنوان مصرف‌کنندگان، تولیدکنندگان و شهروندان اقتصادی آماده سازد.
- کمک به یادگیری مفاهیم، طبقه‌بندی‌ها و شیوه‌های اقتصادی: علم اقتصاد موقعیت‌ها، عوامل و جوانب اقتصادی زندگی را بررسی می‌کند، دلایل به وجود آمدن مسائل

اقتصادی را توضیح می‌دهد و در یافتن ابزار مناسب برای حل مسائل اقتصادی و اجتماعی کمک می‌کند. از این رو، آموختن آن ضروری است.

- کمک به یادگیری اقتصاد در موقعیت‌های یادگیری هدایت شده و تحت شرایط خودکنترلی: طبق نظریه تشکیل ساختارهای شناختی انفرادی، دست یافتن به توانایی درک، قضاوت، فعالیت و نظر دادن درباره شرایط اقتصادی نیازمند به کارگیری شیوه‌های فعال در آموزش اقتصاد به کودکان است.

از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه برنامه‌هایی که آموزش اقتصاد در آلمان را تقویت می‌نمایند عبارتند از:

- Sachunterricht که ترکیبی از مطالعات اجتماعی و علمی در مدارس ابتدایی است.
- Arbeitslehre که مطالعات حرفه‌ای را در دبیرستان‌های مقدماتی دربر می‌گیرد.
- Sozialkunde شامل مطالعات اجتماعی در مدارس متوسطه پایانی است.

در مدارس ابتدایی به دانش‌آموزان، موضوعی آموزش داده می‌شود که هدفش کمک به درک صحیح مسائل علمی و تکنیکی و جوانب اجتماعی، اقتصادی و تاریخی جامعه و شناخت پدیده‌های محیط اطراف است. این موضوع همچنین، به دانش‌آموزان در جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به محیط کمک می‌نماید. وزرات آموزش و پرورش فدرال بیان می‌کند که گرچه بیشترین تأکید بر آموزش اقتصاد دوره متوسطه است اما اولین برخورد دانش‌آموزان با برنامه‌های درسی اقتصادی در دوره ابتدایی است؛ به طوری که دانش‌آموزان مدارس ابتدایی بیشتر از طریق درس ریاضی و درس مطالعات اجتماعی با پول، مراحل تولید کالاها، کار، خدمات، منابع طبیعی و پدیده‌های اقتصادی دیگر آشنا می‌شوند.

وبر (۲۰۰۲) هدف آموزش اقتصاد در مدارس ابتدایی را آماده کردن دانش‌آموزان برای دنیای کار و تربیت شهروندانی آگاه می‌داند. نگاهی به برنامه درسی مدارس ابتدایی در ایالت‌های مختلف نشان می‌دهد که آنها درباره نقش آموزش اقتصاد در مدارس ابتدایی تفاوت‌چندانی با هم ندارند و همه آنها توجه به دو نکته در آموزش اقتصاد به کودکان را توصیه می‌کنند:

- پدیده‌های اقتصادی با تجربه دانش‌آموزان در رابطه با کار، تولید و تکنولوژی سروکار دارد. افزون بر این، در دوره ابتدایی بیشتر سعی می‌شود دانش‌آموز با کار و ارزش آن در جامعه آشنا شود.

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۴۳

- کار بخشی از تجربه است که مهم‌ترین موضوع جامعه است. اما موضوع‌های دیگر مانند آلودگی محیط زیست، توزیع کالاهای عمومی، منابع تولید، شیوه‌های مصرف صحیح، تجارت با کشورهای دیگر و ... نیز باید مورد توجه قرار گیرند.
- هدف مطالعات اجتماعی، توصیف، توضیح و تبیین پدیده‌های اجتماعی و قادر ساختن دانش‌آموزان برای اتخاذ تصمیم‌های آگاهانه در جامعه و زندگی شخصی است. برنامه مطالعات اجتماعی تلفیقی از علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد است. وزارت آموزش و پرورش آلمان، آموزش علوم اجتماعی را به دانش‌آموزان مدارس ابتدایی اجباری اعلام کرده و مدت زمان آموزشی ۱۳ تا ۱۶ ساعت در هفته را برای این موضوع در نظر گرفته است.
- وضعیت برنامه درسی علوم اجتماعی با تأکید بر اقتصاد در آلمان بدین شرح است: بیشتر ایالت‌ها آموزش شهروندی را به عنوان مطالعات اجتماعی، سیاسی یا اقتصادی توصیف می‌کنند. بعضی از ایالت‌ها مانند شلز و یگ- هولشتاین و نوردهن- وست فالن تا حدودی و ایالت هسن هم اخیراً به اقتصاد به عنوان موضوعی مهم در برنامه درسی توجه کرده‌اند.
- ایالت‌های بایرن و تورینگن اقتصاد را به عنوان یک موضوع اجباری در برنامه درسی مدارس مورد توجه قرار می‌دهند. در حالی که ایالت‌های سارلند و رایلند- فاز واحد اقتصاد را به عنوان موضوعی انتخابی در برنامه درسی مدارس متوسطه قرار می‌دهند.

آموزش اقتصاد در انگلستان

واژه اقتصاد، واژه‌ای معمولی در برنامه درسی مدارس انگلستان نیست. اقتصاد به عنوان یک موضوع، تنها بخشی از برنامه درسی گسترده‌تری است که باعث آموزش کار می‌شود. آژانس تربیتی^۱ آموزش کار را چنین تعریف می‌کند که آموزش کار شامل دامنه گسترده‌ای از فعالیت‌های یادگیری با هدف گسترش دانش و درک دانش‌آموزان درباره ایده‌های کلیدی، افزایش مهارت‌های شخصی و گسترش نگرش‌های آگاهانه در ارتباط با اقتصاد، نیروی کار و امور شغلی است.

اگر چه موضوع‌ها و مفاهیم اقتصادی به شیوه‌ای تلفیقی در برنامه درسی مدارس ابتدایی گنجانده شده است، اما همه دانش‌آموزان تا ۱۶ سالگی برنامه واحدی را که بیشتر شامل ریاضیات، انگلیسی و علوم است می‌گذرانند. برنامه درسی در انگلستان از ابتدایی تا متوسطه ۴ گام اساسی دارد و دانش‌آموزان می‌توانند در پایان کلاس نهم در دروس انتخابی ثبت نام کنند. در دو سال

1. Training Agency (1990)

پایانی آموزش اجباری (کلاس‌های دهم و یازدهم) دانش‌آموزان برای اخذ گواهینامه عمومی در امتحانات آموزش متوسطه آماده می‌شوند. به‌طور نسبی ارائه اقتصاد و مطالعات شغلی به دانش‌آموزان تا قبل از ۱۴ سالگی متداول نیست. براساس آخرین تجدید نظر در تدوین برنامه‌های درسی در سال ۲۰۰۲ برنامه‌های درسی مقدماتی عملی در گواهینامه (GCSE) قرار داده شد.^۱ از سپتامبر ۲۰۰۲ تمامی دانش‌آموزان مجبورند شهروندی را به عنوان بخشی از برنامه درسی ملی یاد بگیرند. حوزه‌های محتوایی مهم در آموزش شهروندی به ویژه در مرحله چهارم (آخرین مرحله از تحصیلات رسمی) بر کار و سواد اقتصادی و شغلی تأکید دارند. در این راستا دانش‌آموز بایستی با موارد زیر آشنا شود:

- اقتصاد چگونه عمل می‌کند، نقش خدمات شغلی و مالی
 - حقوق و مسئولیت‌های مصرف‌کنندگان، استخدام‌شوندگان و استخدام‌کنندگان
 - وابستگی و مسئولیت‌های جهانی و فراگیری اصول توسعه پایدار
 - روابط اقتصادی پادشاهی انگلستان با کشورهای دیگر و به ویژه با اتحادیه اروپا
- به محض این که دانش‌آموزان به سن ۱۶ سالگی می‌رسند حق انتخاب برنامه‌های آموزشی تمام‌وقت و یا رفتن به بازار کار را پیدا می‌کنند. در آموزش‌های تمام‌وقت نیز آنها حق انتخاب برنامه‌های درسی علمی و حرفه‌ای را می‌یابند.
- در سال‌های اخیر جایگاه اقتصاد به عنوان یک واحد درسی جداگانه در برنامه درسی مدارس کاهش یافته است و به جای آن مطالعات شغلی اهمیت بیشتری یافته است؛ به‌طوری که در سال ۱۹۹۲ تعداد ۴۰۲۲۲ نفر واحد اقتصاد را انتخاب کرده بودند. اما این میزان در سال ۲۰۰۱ به تعداد ۱۹۳۱۱ نفر کاهش یافت، در حالی که تعداد ثبت‌نام‌کنندگان در برنامه درسی مطالعات شغلی از ۱۹۱۷۹ نفر در سال ۱۹۹۲ به ۳۴۵۸۶ نفر در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. کارشناسان دلیل کاهش میزان ثبت‌نام در واحد اقتصاد و افزایش ثبت‌نام در برنامه درسی مطالعات شغلی را مشکل و غیرقابل فهم بودن موضوعات اقتصادی برای دانش‌آموزان، بیان کردند.^۲

آموزش اقتصاد در آمریکا

گزارش ملت در خطر^۲، ضرورت اصلاحات آموزشی در آمریکا را مطرح ساخت و تغییر در برنامه‌های درسی مدارس آمریکایی را به عنوان یک ضرورت همه‌جانبه اعلام کرد و تأکید نمود

1. Abbott (2002)

۲. ابوت (۲۰۰۳)

3. A Nation at Risk

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۴۵

که مطالعات اجتماعی باید بر درک این موضوع که سیستم اقتصادی و سیستم سیاسی چگونه عمل می‌کنند، تمرکز نماید. در همین زمان اتحادیه انجمن آموزش اقتصاد (JCEE) به خاطر بحث گسترده پیرامون اهمیت سواد اقتصادی تأسیس شد. هدف این انجمن، ارزیابی عملکرد گروه‌های مختلف جامعه آموزشی (معلمان و دانش‌آموزان) در سواد اقتصادی بود. پیش از این که نهضت اصلاحی علوم اجتماعی جدید در اواخر دهه ۱۹۵۰ آغاز شود، دانش‌آموزان مدارس ابتدایی با استفاده از درس مطالعات اجتماعی که بیشتر بر تاریخ، مسائل شهروندی، جغرافیا و علوم قدیمی تأکید داشت، در معرض ایده‌های اقتصادی قرار می‌گرفتند. اما با وقوع اصلاحات آموزشی، این رویکرد سنتی جای خود را به برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای داد و هیجان و شور و شوق بیش از حد برای ایجاد استانداردهای یادگیری در مدارس آمریکایی، فرصت بیشتری را برای گنجاندن اقتصاد در برنامه‌های درسی دوره کودکستان تا پایان دوره متوسطه فراهم آورد. به واسطه وقوع نهضت استانداردسازی، حتی معلمان دوره ابتدایی با فشار قابل ملاحظه‌ای برای تدریس محتوای اقتصادی مواجه شدند.^۱ در سطح مدارس ابتدایی، عمده‌ترین برنامه درسی در اقتصاد «دنیای کار ما» نوشته «سنش»^۲ بود. ایشان برای تدریس مفاهیم اقتصادی، متن کتاب را به خوبی با داستان تلفیق کرده بود، به گونه‌ای که در اواخر دهه ۱۹۶۰ مطالب آموزشی «سنش» یکی از رایج‌ترین و مهم‌ترین فرآورده‌های تجاری در آموزش اقتصاد به کودکان دوره ابتدایی به شمار می‌رفت و به واسطه این مطالب، آموزش اقتصاد جایگاه رسمی و معتبری در برنامه درسی مدارس ابتدایی یافت.^۳ تغییرات به وجود آمده در برنامه‌های درسی در دهه‌های بعد بر مفهوم‌سازی ایده‌های اقتصادی در یک مجموعه منسجم و رسمی از استانداردهای محتوایی در برنامه‌های درسی مطالعات اجتماعی تأکید کرد. در مارس سال ۱۹۹۴ کنگره آمریکا لایحه اهداف آموزشی پیشنهاد شده از جانب رئیس جمهور برای سال ۲۰۰۰ را تصویب کرد و برقرار دادن اقتصاد به عنوان یکی از ۹ موضوع اساسی در برنامه درسی مدارس تأکید نمود. مضمون این لایحه آموزشی چنین بود:

تمامی دانش‌آموزانی که قصد دارند در پایه‌های تحصیلی چهارم، هشتم و دوازدهم تحصیلات رسمی خود را ترک کنند، بایستی در جهان معاصر بر چالش‌های موجود در حوزه‌های محتوایی انگلیسی، ریاضیات، علوم، زبان‌های خارجه، شهروندی و حکومت، اقتصاد، هنر، تاریخ و جغرافیا

۱. راجرز، هاثورن و ویلر (۲۰۰۳)

2. Senesh

۳. راجرز، هاثورن و ویلر (۲۰۰۶)

فایق آیند. بدین ترتیب هر مدرسه در آمریکا تضمین خواهد کرد که همه دانش‌آموزان به کارگیری ذهن‌های خود را به خوبی فرا می‌گیرند تا به عنوان شهروندان مسئول، فرصت یادگیری بیشتر و استخدام مؤثرتر را در اقتصاد مدرن ملی کسب نمایند.^۱ از این زمان بود که دولت به‌طور آشکار از این حقیقت که گسترش سواد اقتصادی نیازمند آموزش در مدارس آمریکایی است، حمایت کرد. سرانجام، دولت سواد اقتصادی را اخذ مهارت‌های تصمیم‌گیری و فراگیری شیوه‌های تفکر اقتصادی تعریف کرد و در راستای تحقق این هدف، معیارهایی تهیه و تدوین شد و انجمن ملی آموزش اقتصاد، بیست محتوای استاندارد را برای آموزش اقتصاد در نظر گرفت. این محتوای استاندارد برای ارائه راهنمایی لازم به هیأت آموزشی مدارس، تدوین‌کنندگان برنامه درسی و معلمان برای تعیین این که چه محتوای اقتصادی باید تدریس شود و چه زمانی باید تدریس شود، گسترش یافت. بیست محتوای استاندارد، بر اصول اقتصادی تأکید دارند و مهم‌ترین دانش محتوایی در این حوزه را دربر می‌گیرند.^۲ همچنین، هر استاندارد شامل گفتاری درباره آنچه که دانش‌آموز برخوردار از سواد اقتصادی باید بداند و انجام دهد، است.^۳ در عین حال، استانداردها مجموعه‌ای از شاخص‌ها را که بر کاربرد سواد اقتصادی و مهارت‌های اقتصادی تأکید دارند، نیز دربر می‌گیرند.

همراه با استانداردها، مواد آموزشی، منابع مرتبط و راهنمای تدریس عرضه می‌شود. بنابراین، معلمان می‌توانند مجموعه‌ای از استانداردها را برای تشخیص و دسترسی به مواد آموزشی درباره گسترش دانش اقتصادی دانش‌آموزان به کار گیرند.^۴

یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش استانداردهای محتوایی در حوزه اقتصاد، توجه نکردن به مفاهیم اقتصادی در استانداردهای محتوایی دیگر حوزه‌های مطالعات اجتماعی بود. باکلز و واتز^۵ به تحلیل محتوای استاندارد حوزه‌های تاریخ، جغرافیا، تعلیمات مدنی و مطالعات اجتماعی پرداختند و نتایج کار آنها نشان داد که در محتوای این حوزه‌ها بی‌توجهی محسوسی نسبت به مفاهیم و موضوعات اقتصادی وجود دارد. به همین دلیل، آنها تأکید کردند که اقتصاد باید به عنوان یک واحد مجزا در برنامه درسی مدارس مطرح شود تا هم فرصتی بی‌نظیر برای درک مفاهیم اقتصادی

1. Ohanian (2000), p. 345

2. Von Fossen (1999)

۳. مزاروس (۱۹۹۷)

۴. نلسون (۱۹۹۷)

5. Buckles and Watts (1998)

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۴۷

به‌طور گسترده به وجود آید و هم مشکل کمبود زمان اختصاص داده شده به آموزش اقتصاد در مدارس حل شود.

در ۴ آگوست سال ۱۹۹۹ سناتور آمریکایی دانیل کی آکاکا^۱ قانونی را برای بهبود آموزش اقتصاد دانش‌آموزان آمریکایی معرفی کرد که این قانون «برتری در آموزش اقتصاد» نامیده شد.^۲ این قانون در صورت اجرا، سواد اقتصادی دانش‌آموزان را افزایش خواهد داد، توانایی معلمان برای تدریس اقتصاد را قوت خواهد بخشید، محققان را به تحقیق پیرامون آموزش اقتصاد تشویق خواهد نمود و ایالت‌های مختلف را قادر خواهد ساخت تا سواد اقتصادی را با برنامه‌های درسی مدارس تلفیق و مشارکت بخش عمومی و خصوصی را برای حمایت از آموزش اقتصاد پیش ببرند.^۳

انجمن ملی آموزش اقتصاد، سازمانی بی‌نظیر است که از سال ۱۹۴۹ تاکنون یکی از منابع اولیه تربیت معلم و آموزش اقتصاد به دانش‌آموزان از دوره کودکتان تا پایان متوسطه بوده و در حال حاضر در تمامی ۵۰ ایالت آمریکا و ۲۶۰ دانشگاه مهم آن مشغول فعالیت است. این انجمن مسئولیت هدایت برنامه‌های آموزشی در زمینه اقتصاد را برعهده دارد و هدف اصلی آن کمک به دانش‌آموزان سراسر آمریکا است تا شیوه‌های تفکر اقتصادی و حل مسئله را به‌عنوان مصرف‌کنندگان، شهروندان مسئول و مشارکت‌کنندگان اثربخش در زندگی روزمره و اقتصاد جهانی به کار ببرند. از جمله فعالیت‌های مهم این انجمن، اجرای «برنامه آمریکای اقتصادی» است که هدف‌های زیر را دنبال می‌کند:

۱. کمک به رشد و توسعه برنامه‌های درسی ملی، ایالتی و محلی
۲. تدوین محتوای استاندارد برای گنجاندن اقتصاد در برنامه‌های درسی مدارس
۳. فراهم آوردن مواد آزمون‌های کلاسی و ارائه راهبردهای لازم به معلمان و دانش‌آموزان
۴. برگزاری دوره‌های آموزشی در سطح دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها، مؤسسات تربیت نیروی انسانی ماهر و تلاش برای رشد حرفه‌ای معلمان
۵. هدایت جریان ارزیابی، سنجش و تحقیق در راستای تحقق اهداف.

1. Akaka, D. K.

2. Akaka, D. K. (1999)

3. *Ibid*

۶. خلاصه تحقیقات

تحقیقات انجام شده در ایران

در ایران تحقیقاتی که به طور مستقیم مرتبط با آموزش اقتصاد باشد وجود ندارد. اما تحقیقاتی وجود دارد که در آنها به برخی مفاهیم و پیام‌های اقتصادی توجه شده است.

شهبازی (۱۳۷۳) تحقیقی با عنوان «بررسی محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره ابتدایی از نظر انطباق با اهداف راهنمایی شغلی از نظر رابرت هاپاک» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در همه کتاب‌های مورد بررسی به طور کلی از ۴۲ شغل یا حرفه نام برده شده است که بین فراوانی آنها نیز تناسبی وجود ندارد. همچنین، این نتایج بیانگر آن است که به امر مهم راهنمایی شغلی در دوره ابتدایی توجه جدی نشده است.

نظری (۱۳۷۵) تحقیقی با عنوان «بررسی مفاهیم شغلی مطرح شده در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و مقایسه آنها با مشاغل جامعه» انجام داده است. اهداف مهم این تحقیق، تعیین نوع و فراوانی مشاغل در کتاب‌های ابتدایی و راهنمایی، تعیین درصد مشاغل مطرح شده در کتاب‌های این دوره برحسب جنس زن و مرد و مقایسه مشاغل مطرح شده با مشاغل موجود در جامعه است. در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی عناوین شغلی متفاوت با فراوانی ۷۳۵ آمده است. مشاغلی مانند آموزگاری، کشاورزی و دامپروری در هر دو گروه مردان و زنان از بیشترین فراوانی برخوردارند. درصد این مشاغل به ترتیب ۳۱/۹، ۱۶/۷ و ۶/۳ است. از مجموع ۷۳۵ بار تکرار مشاغل مختلف، ۶۵۵ بار مشاغل مربوط به مردان و ۸۱ بار مشاغل مربوط به زنان تکرار شده است. مشاغل مردان ۸۸/۹۹ درصد و مشاغل زنان ۱۱/۰۱ درصد را تشکیل می‌دهد.

اسماعیلی (۱۳۷۸) تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای متون کتب فارسی دوره ابتدایی» انجام داده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که در بین مفاهیم ارزشی منظور شده در کتاب‌های فارسی اول تا پنجم ابتدایی، جمعاً ۱۲۳ مفهوم ارزشی با ۳۴۰۲ فراوانی وجود دارد که از بین این مفاهیم، کار و فعالیت، خداپرستی و تعلقات مذهبی بیشترین فراوانی را دارند. از بین مفاهیم ارزشی، حداکثر ده مورد به صورت منفی و بقیه به صورت مثبت مطرح شده‌اند.

تحقیقات انجام شده در خارج

عسیران و اینز^۱ تحقیقی را با عنوان «رشد مفاهیم اقتصادی در کودکان مصری» انجام داده است. نتایج تحقیق نشان داد که در درک کودکان از مفاهیم اقتصادی، الگویی همانند الگوی عمومی

1. Osseiran Waines (1984)

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۴۹

رشد وجود دارد و این یافته با نتایج تحقیق‌های انجام شده در کشورهای غربی و کشورهای دیگر سازگار است

شوگ^۱ تحقیقی را با عنوان «رشد تفکر اقتصادی در کودکان و توصیه‌هایی برای آموزش» در آمریکا انجام داد. او در این تحقیق دریافت که کودکان مفاهیم اقتصادی را براساس مراحل رشد یاد می‌گیرند و بچه‌های کوچک‌تر مفاهیم آشنا و عینی را بهتر و زودتر یاد می‌گیرند. اهمیت سن در بخش بزرگ این مطالعه این ایده را تقویت می‌کند که کودکان برای درک کامل مفاهیم اقتصادی سالیان زیادی به آموزش دیدن این مفاهیم نیاز دارند.

لی و همکاران (۱۹۹۶) تحقیقی با عنوان «اثر روش یادگیری مشارکتی و تسلط‌یاب بر یادگیری در دانش‌آموزان دوره ابتدایی و نگهداری مفاهیم اقتصادی در آنها» انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که شیوه ترکیبی روش‌های مشارکتی فعال و تسلط‌یاب، باعث یادگیری و نگهداری ذهنی بهتر مفاهیم اقتصادی می‌شود.

بان و همکاران^۲ تحقیقی با عنوان «دیدگاه بچه‌های آفریقایی جنوبی درباره مفاهیم اقتصادی ثروت، فقر، نابرابری و بیکاری» انجام دادند. هدف از این مطالعه، بررسی چگونگی درک مفاهیم ثروت، فقر، نابرابری و بیکاری در کودکان سنین ۷، ۹، ۱۱ و ۱۲ ساله در آفریقای جنوبی بود. نتایج تحقیق نشان داد هر چند محیط بر آگاهی کودکان از این مفاهیم تأثیر می‌گذارد اما در مقایسه با سن، تأثیر کمتری دارد.

هاسکل و جنکینز (۲۰۰۲) تحقیقی با عنوان «تدریس اصول اقتصادی از طریق شیوه‌های سوادآموزی» در ایالت آیداهوی^۳ آمریکا انجام دادند. هدف این مطالعه بررسی تأثیر آموزش مستقیم مطالب و مفاهیم اقتصادی در یک دوره زمانی کوتاه‌مدت بر سواد اقتصادی دانش‌آموزان کلاس پنجم ابتدایی بود. نتایج تحقیق نشان داد که نمرات پیش‌آزمون با نمرات پس‌آزمون تفاوت چندانی ندارد و بهبود خیلی کمی در آگاهی اقتصادی دانش‌آموزان حاصل شده است. در پایان تحقیق پیشنهاد شد که برای آموزش مفاهیم اقتصادی، زمان گزینه مهمی است و دانش‌آموزان برای شبیه‌سازی مفاهیم اقتصادی در زندگی واقعی خود به دوره‌های آموزشی بلندمدت احتیاج دارند.

فارنهام (۲۰۰۵) تحقیقی با عنوان «درک مفهوم مالیات: آگاهی افراد جوان از اصول مالیات‌بندی» انجام داد. نتایج تحقیق نشان داد که اگر چه همه افراد از سنین ۱۲-۱۱ سالگی شروع

1. Schug (1991)

2. Bonn, et al (1999)

3. Idaho

به درک مفهوم مالیات می‌کنند، اما تا سن ۱۵-۱۴ سالگی قادر به درک کامل ماهیت و هدف مالیات نیستند.

کافل و نیتزل^۱ تحقیقی با عنوان «نظرات کودکان درباره ماهیت، علل و راه‌های کاهش فقر» در آمریکا انجام دادند. نتایج تحقیق آشکار کرد که کودکان در این سن، هنوز هنجارها و ارزش‌های معمول والدین درباره فقر را درونی نکرده‌اند. تقریباً همه کودکان معتقد بودند که فقر پدیده جالبی نیست. بیشتر کودکان هم گفتند نداشتن پول کافی علت اصلی فقر است. همچنین، بیشتر آنها از تغییر شرایط اجتماعی و فعالیت‌های نوع‌دوستانه به عنوان راه‌های کاهش فقر یاد کردند.

راجرز، هاثورن و ویلر^۲ تحقیقی با عنوان «آموزش اقتصاد از طریق ادبیات کودکان در دوره ابتدایی» در آمریکا انجام دادند. پس از بررسی‌ها و تحلیل‌های لازم، به‌طور کلی مشخص شد که بخش بزرگ مطالب کتاب‌های قرائت آسان، تصاویر کتاب‌های داستان و تصاویر کتاب‌های مصور، دامنه وسیعی از مطالب و مفاهیم اقتصادی را به شیوه جالب و واضحی در خود جای داده‌اند و بیشتر این کتاب‌ها مفاهیمی را دربر گرفته بودند که با استانداردهای آموزش ملی مطابقت داشتند. اما تعداد کمی از این کتاب‌ها یک سری مفاهیم اقتصادی را دربر داشتند که کاملاً گمراه‌کننده و فراتر از محتوای برنامه‌های درسی ایالتی بودند.

۷. هدف پژوهش

هدف این پژوهش، شناسایی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی است.

۸. پرسش‌های پژوهش

۱. کدام پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی و به چه میزان به‌طور مستقیم در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ارائه شده‌اند؟
۲. کدام پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی و به چه میزان به‌طور غیرمستقیم در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ارائه شده‌اند؟

1. Chafel and Neitzel (2005)
2. Rogers, Hawthorne and Wheeler (2006)

۹. روش پژوهش

این تحقیق توصیفی است و از روش تحلیل محتوا^۱ استفاده شده است.

۱۰. متغیرها

مضامین و پیام‌های اقتصادی مستقیم: درس‌ها و مطالب اقتصادی را شامل می‌شود که به‌طور مستقیم، آموزش پیام‌های اقتصادی را دنبال می‌کنند. برای نمونه، پسته و خرما محصولات هستند که از ایران به کشورهای دیگر جهان صادر می‌شوند.^۲

مضامین و پیام‌های اقتصادی غیرمستقیم: درس‌ها و مطالب اقتصادی را شامل می‌شود که در لابلای دیگر مقولات فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی آمده است و با دقت در مضمون آنها می‌توان دریافت که پیام اقتصادی را دنبال می‌کنند. همچنین، آن دسته از موضوعاتی که در قالب شعر و داستان، به‌طور غیرمستقیم ارزش‌های اقتصادی را آموزش می‌دهند. برای نمونه، حالا خودت فهمیدی که گنج بی‌رنج افسانه است و روی هر گنجی ماری خوابیده است.^۳

۱۱. جامعه آماری، نمونه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر، همه کتاب‌های درسی دوره ابتدایی کشور ایران در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ است. به دلیل محدود بودن کتاب‌ها، متن تمامی کتاب‌ها (به استثنای کتاب‌های ریاضی) به عنوان نمونه آماری است.

ابزار گردآوری داده‌ها

براساس چارچوب نظری تحلیل متن، برای گردآوری داده‌ها از سیاهه استفاده شده است.

روش گردآوری داده‌ها

داده‌ها با مراجعه مستقیم به متن و مطالعه دقیق هر کتاب درسی گردآوری شده‌اند.

روش تجزیه و تحلیل آماری

برای تحلیل داده‌ها، ابتدا کل پیام‌های موجود در متن کتاب‌های هر یک از پایه‌ها شمارش شد. سپس از میان آنها، پیام‌های اقتصادی در هر کتاب و پایه تفکیک گردید. پیام‌های اقتصادی به پنج نوع، پیام‌های مربوط به اقتصاد خرد، پیام‌های مربوط به اقتصاد کلان، پیام‌های مربوط به توسعه

اقتصادی، پیام‌های اقتصادی مربوط به اقتصاد کار و پیام‌های مربوط به اقتصاد بین‌الملل تقسیم شدند. هر یک از این پنج نوع پیام به دو دسته مستقیم و غیرمستقیم تقسیم شدند، سپس فراوانی مربوط به هر یک از آنها مشخص گردید.

با نسبت‌گیری پیام‌های اقتصادی هر پایه به کل پیام‌های هر پایه مشخص گردید که چه درصدی از پیام‌های هر پایه به پیام‌های اقتصادی اختصاص یافته است. برای محاسبه نحوه ارائه پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی به کل پیام‌ها، پیام‌های اقتصادی مستقیم و غیرمستقیم هر یک از کتاب‌ها نسبت به کل پیام‌های آن کتاب مقایسه گردید و مشخص شد که چه مقدار از پیام‌های اقتصادی هر کتاب به صورت مستقیم یا غیرمستقیم است.

بعد از گردآوری اطلاعات مورد نیاز از کتاب‌های درسی دوره ابتدایی و کدگذاری آنها، برای تحلیل داده‌ها، با استفاده از نرم‌افزار SPSS و روش‌های آماری، اطلاعات لازم به صورت جدول و نمودار در آورده شد. برای توصیف داده‌ها از فراوانی و درصد و برای مقایسه از آزمون χ^2 استفاده شده است. در عین حال، برخی تحلیل‌های لازم به شیوه قیاسی - منطقی انجام گرفت.

۱۲. یافته‌های پژوهش

پیام‌های اقتصادی پایه اول ابتدایی

در متن کتاب‌های مورد بررسی در پایه اول ابتدایی، در مجموع ۶۰ پیام اقتصادی شناسایی شد که ۸۱/۶۶ درصد آنها در کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۱۶/۶۶ درصد آنها در کتاب علوم و ۱/۶۶ درصد آنها در کتاب قرآن عرضه شده‌اند. روش ارائه ۵۰ درصد پیام‌ها مستقیم و روش ارائه ۵۰ درصد پیام‌ها غیرمستقیم است. همچنین، در کتاب‌های پایه اول ابتدایی ۴۶/۶۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۳۵ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۱۸/۳۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار است.

بررسی روش ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی پایه اول نشان می‌دهد که ۱۶/۶۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۳۱/۶۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۱/۶۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار با روش مستقیم ارائه شده‌اند. در عین حال، ۳۰ درصد پیام‌های اقتصادی در رابطه با خرد، ۳/۳۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۱۶/۶۶ درصد پیام‌های اقتصادی در رابطه با اقتصاد کار با روش غیرمستقیم ارائه شده‌اند (جدول ۱).

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۵۳

جدول ۱. شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه اول ابتدایی

مفهوم / روش	اقتصاد خرد	اقتصاد کلان	توسعه اقتصادی	اقتصاد کار	اقتصاد بین‌الملل	جمع
مستقیم	۱۰ (۱۶/۶۶٪)	-	۱۹ (۳۱/۶۶٪)	۱ (۱/۶۶٪)	-	۳۰ (۵۰٪)
غیرمستقیم	۱۸ (۳۰٪)	-	۲ (۳/۳۳٪)	۱۰ (۱۶/۶۶٪)	-	۳۰ (۵۰٪)
جمع	۲۸ (۴۶/۶۶٪)	-	۲۱ (۳۴/۹۹٪)	۱۱ (۱۸/۳۲٪)	-	۶۰ (۹۹/۹۹٪)

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی مختلف پایه اول با روش مورد استفاده (مستقیم و غیرمستقیم)، ارتباط داشته است. هم‌چنین، ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه اول در زمینه اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل با روش مورد استفاده (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است (جدول ۲).

جدول ۲. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در پایه اول

χ^2	df	P-Value
۸/۴۰	۲	۰/۰۱۵
۲۳/۴۱	۲	۰/۰۰۰

در یک چشم‌انداز کلی می‌توان گفت که حدود ۱۰/۰۵ درصد پیام‌های موجود در متن کتاب‌های درسی پایه اول ابتدایی به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است. در مجموع، ارائه پیام‌های اقتصادی بیشتر از طریق کتاب بنویسیم و بخوانیم دنبال شده است؛ به طوری که ۱۲/۰۳ درصد پیام‌های کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۶/۴ درصد پیام‌های کتاب علوم و ۲/۹۴ درصد پیام‌های کتاب قرآن به پیام‌های اقتصادی اختصاص یافته است (جدول ۳).

پیام‌های اقتصادی پایه دوم ابتدایی

در متن کتاب‌های مورد بررسی در پایه دوم ابتدایی در مجموع، ۷۶ پیام اقتصادی شناسایی و تفکیک گردید که ۷۷/۶۳ درصد آنها در کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۹/۲ درصد آنها در کتاب هدیه‌های آسمان، ۵/۲۶ درصد آنها در کتاب قرآن و ۷/۸۹ درصد آنها در کتاب علوم ارائه شده‌اند. روش ارائه ۵۷/۸۹ درصد پیام‌ها مستقیم و روش ارائه ۴۲/۱ درصد آنها به صورت

غیرمستقیم است. هم‌چنین، در کتاب‌های مورد بررسی در پایه دوم ابتدایی، ۴۰/۷۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۳/۹۴ درصد پیام‌های اقتصادی در رابطه با اقتصاد کلان، ۱۸/۴۲ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۳۶/۸۴ درصد پیام‌های اقتصادی در رابطه با اقتصاد کار است.

جدول ۳. نسبت پیام‌های اقتصادی به کل پیام‌ها و نحوه ارائه آنها در متن کتاب‌های درسی پایه اول

کتاب روش	فارسی	علوم	قرآن
مستقیم	۵/۱۵	۵/۷۶	-
غیرمستقیم	۶/۸۷	۰/۶۴	۲/۹۴
کل	۱۲/۰۲	۶/۴	۲/۹۴

بررسی روش ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی پایه دوم نشان می‌دهد که ۲۱/۰۵ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۲/۶۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۱۱/۸۴ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۲۲/۳۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار با روش مستقیم ارائه شده‌اند. هم‌چنین، ۱۹/۷۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۱/۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۶/۵۷ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۱۴/۴۷ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار با روش غیرمستقیم ارائه شده‌اند (جدول ۴).

جدول ۴. شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه دوم ابتدایی

روش	مفهوم	اقتصاد خرد	اقتصاد کلان	توسعه اقتصادی	اقتصاد کار	اقتصاد بین‌الملل	جمع
مستقیم	۱۶ (۲۱/۰۵٪)	۲ (۲/۶۳٪)	۹ (۱۱/۸۴٪)	۱۷ (۲۲/۳۶٪)	-	۴۴ (۵۷/۸۹٪)	
غیرمستقیم	۱۵ (۱۹/۷۳٪)	۱ (۱/۳۱٪)	۵ (۶/۵۷٪)	۱۱ (۱۴/۴۷٪)	-	۳۲ (۴۲/۱۱٪)	
جمع	۳۱ (۴۰/۷۸٪)	۳ (۳/۹۴٪)	۱۴ (۱۸/۴۱٪)	۲۸ (۳۶/۸۴٪)	-	۷۶ (۹۹/۹۹٪)	

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۵۵

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی مختلف پایه دوم مستقل از روش مورد استفاده (مستقیم و غیرمستقیم) است. همچنین، ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه دوم در زمینه اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل مستقل از روش ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) است (جدول ۵).

جدول ۵. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در پایه دوم

$P\text{-Value}$	df	χ^2	
۰/۰۷۴	۳	۶/۹۳	روش × کتاب
۰/۸۲	۳	۰/۹۲	روش × پیام

در یک چشم‌انداز کلی می‌توان گفت که حدود ۹/۵ درصد پیام‌های موجود در متن کتاب‌های درسی مورد بررسی پایه دوم ابتدایی به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است. در مجموع، ارائه پیام‌های اقتصادی بیشتر از طریق کتاب بنویسیم و بخوانیم دنبال شده است؛ به طوری که ۱۳/۷۲ درصد پیام‌های کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۶/۳۶ درصد پیام‌های کتاب هدیه‌های آسمان، ۹/۰۹ درصد پیام‌های کتاب قرآن و ۲/۷۹ درصد پیام‌های کتاب علوم به پیام‌های اقتصادی اختصاص یافته است (جدول ۶).

جدول ۶. نسبت پیام‌های اقتصادی به کل پیام‌ها و نحوه ارائه آنها در متن کتاب‌های درسی پایه دوم

		کتاب			
		فارسی	هدیه‌های آسمان	قرآن	علوم
روش					
مستقیم	۷/۹	۱/۸	۴/۵۴	۲/۷۹	
غیرمستقیم	۵/۸۱	۴/۵۴	۴/۵۴	-	
کل	۱۳/۷۱	۶/۳۵	۹/۰۸	۲/۷۹	

پیام‌های اقتصادی پایه سوم ابتدایی

در کتاب‌های مورد بررسی پایه سوم ابتدایی در مجموع، ۲۰۸ پیام اقتصادی شناسایی و تفکیک گردید که ۳۲/۲۱ درصد آنها در کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۱/۴۴ درصد آنها در کتاب هدیه‌های آسمان، ۱/۴۴ درصد آنها در کتاب قرآن، ۵۰/۴۸ درصد آنها در کتاب تعلیمات اجتماعی و ۱۴/۴۲

درصد آنها در کتاب علوم عرضه شده‌اند. همچنین، روش ارائه ۶۰/۰۹ درصد پیام‌ها مستقیم و روش ارائه ۳۹/۹ درصد آنها به صورت غیرمستقیم است. در عین حال، در کتاب‌های مورد بررسی، ۳۱/۷۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۵/۲۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۴۶/۱۵ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۱۶/۳۴ درصد آنها در ارتباط با اقتصاد کار و ۰/۴۸ درصد آنها در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل ارائه شده‌اند.

بررسی روش ارائه پیام‌ها در کتاب‌های درسی پایه سوم ابتدایی نشان می‌دهد که ۱۴/۴۲ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۳/۳۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۳۷/۰۱ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، ۴/۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار و ۰/۴۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل با روش مستقیم ارائه شده‌اند. در عین حال، ۱۷/۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۱/۹۲ درصد از پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۹/۱۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی و ۱۱/۵۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار با روش غیرمستقیم ارائه شده‌اند (جدول ۷).

جدول ۷. شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه سوم ابتدایی

روش	مفهوم	اقتصاد خرد	اقتصاد کلان	توسعه اقتصادی	اقتصاد کار	اقتصاد بین‌الملل	جمع
مستقیم	۳۰	(۱۴/۴۲)	۷	(۳/۳۶)	۱۰	(۴/۸)	۱۲۵
غیرمستقیم	۳۶	(۱۷/۳)	۴	(۱/۹۲)	۲۴	(۱۱/۵۳)	۸۳
جمع	۶۶	(۳۱/۷۳)	۱۱	(۵/۲۸)	۳۴	(۱۶/۳۳)	۲۰۸

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی مختلف پایه سوم با روش مورد استفاده (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است. همچنین، ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه سوم در زمینه اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل با روش مورد استفاده (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است (جدول ۸).

در یک چشم‌انداز کلی می‌توان گفت که حدود ۱۸/۵۳ درصد پیام‌های موجود در کتاب‌های مورد بررسی پایه سوم ابتدایی به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است. در مجموع ارائه پیام‌های

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۵۷

اقتصادی بیشتر از طریق کتاب تعلیمات اجتماعی دنبال شده است؛ به طوری که ۳۹/۱۷ درصد پیام‌های کتاب تعلیمات اجتماعی، ۲۰ درصد پیام‌های کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۱۴/۴۹ درصد پیام‌های کتاب علوم، ۳/۱۵ درصد کتاب‌های قرآن و ۱/۳۸ درصد پیام‌های کتاب هدیه‌های آسمان به پیام‌های اقتصادی اختصاص یافته است (جدول ۹).

جدول ۸. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در پایه سوم

$P-Value$	df	χ^2	
۰/۰۰۰	۴	۲۸/۱۵	روش × کتاب
۰/۰۰۰	۴	۳۶/۱۶	روش × پیام

جدول ۹. نسبت پیام‌های اقتصادی به کل پیام‌ها و نحوه ارائه آنها در متن کتاب‌های درسی پایه سوم ابتدایی (به درصد)

علوم	تعلیمات اجتماعی	قرآن	هدیه‌های آسمان	فارسی	کتاب
					روش
۱۴/۴۹	۲۲/۳۸	۱/۰۵	-	۱۰/۱۴	مستقیم
-	۱۶/۷۹	۲/۱۰	-	۹/۸۵	غیرمستقیم
۱۴/۴۹	۳۹/۱۷	۳/۱۵	۱/۳۸	۱۹/۹۹	کل

پیام‌های اقتصادی پایه چهارم ابتدایی

در متن کتاب‌های مورد بررسی پایه چهارم ابتدایی در مجموع، ۲۳۶ پیام اقتصادی شناسایی شد که ۳۷/۲۸ درصد آنها در کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۱/۲۷ درصد آنها در کتاب هدیه‌های آسمان، ۲/۱ درصد آنها در کتاب قرآن، ۴۴/۴۹ درصد آنها در تعلیمات اجتماعی و ۱۴/۸۳ درصد آنها در کتاب علوم عرضه شده‌اند. روش ارائه ۶۳/۱۳ درصد پیام‌ها مستقیم و روش ارائه ۳۶/۸۶ درصد پیام‌ها غیرمستقیم است. همچنین، در کتاب‌های پایه چهارم ابتدایی، ۲۴/۵۷ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۱۴/۸۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۴۲/۷۹ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، ۱۳/۵۵ درصد پیام‌ها در ارتباط با اقتصاد کار و ۴/۲۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل است.

بررسی روش ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های پایه چهارم ابتدایی نشان می‌دهد که ۱۴/۴ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۶/۳۵ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۳۵/۱۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، ۳/۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار و ۳/۳۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل با روش مستقیم ارائه شده‌اند. همچنین، ۱۰/۱۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۸/۴۷ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۷/۶۲ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، ۹/۷۴ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار و ۰/۸۴ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل با روش غیرمستقیم ارائه شده‌اند (جدول ۱۰).

جدول ۱۰. شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های پایه چهارم ابتدایی

مفهوم روش	اقتصاد خرد	اقتصاد کلان	توسعه اقتصادی	اقتصاد کار	اقتصاد بین‌الملل	جمع
مستقیم	۳۴ (۱۴/۴٪)	۱۵ (۶/۳۵٪)	۸۳ (۳۵/۱۶٪)	۹ (۳/۸٪)	۸ (۳/۳۸٪)	۱۴۹ (۶۳/۱۳٪)
غیرمستقیم	۲۴ (۱۰/۱۶٪)	۲۰ (۸/۴۷٪)	۱۸ (۷/۶۲٪)	۲۳ (۹/۷۴٪)	۲ (۰/۸۴٪)	۸۷ (۳۶/۸۶٪)
جمع	۵۸ (۲۴/۵۷٪)	۳۵ (۱۴/۸۳٪)	۱۰۱ (۴۲/۷۹٪)	۳۲ (۱۳/۵۵٪)	۱۰ (۴/۲۳٪)	۲۳۶ (۹۹/۹۹٪)

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی مختلف پایه چهارم با شیوه ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است. همچنین، ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه چهارم در زمینه اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل با شیوه ارائه (مستقیم و غیرمستقیم)، ارتباط داشته است (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در پایه چهارم

χ^2	df	P-Value
۳۳/۴۹	۴	۰/۰۰۰
۴۰/۵۰	۴	۰/۰۰۰

در یک چشم‌انداز کلی می‌توان گفت که حدود ۱۴/۸ درصد پیام‌های موجود در کتاب‌های درسی پایه چهارم ابتدایی به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است. در مجموع، ارائه پیام‌های اقتصادی بیشتر از طریق کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دنبال شده است؛ به طوری که ۲۴/۷ درصد

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۵۹

پیام‌های کتاب تعلیمات اجتماعی، ۱۵/۱۷ درصد پیام‌های کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۱۳/۰۵ درصد پیام‌های کتاب علوم، ۴/۷۱ درصد پیام‌های کتاب قرآن و ۱/۴ درصد پیام‌های کتاب هدیه‌های آسمان به پیام‌های اقتصادی اختصاص یافته است (جدول ۱۲).

جدول ۱۲. نسبت پیام‌های اقتصادی به کل پیام‌ها و نحوه ارائه آنها در متن کتاب‌های درسی پایه چهارم (به درصد)

کتاب روش	فارسی	هدیه‌های آسمان	قرآن	تعلیمات اجتماعی	علوم
مستقیم	۶/۸۹	-	۳/۷۷	۱۶/۹۴	۱۲/۳۱
غیرمستقیم	۸/۲۷	۱/۴	۰/۹۴	۷/۷۶	۰/۷۴
کل	۱۵/۱۶	۱/۴	۴/۷۱	۲۴/۷	۱۳/۰۵

پیام‌های اقتصادی پایه پنجم ابتدایی

در متن کتاب‌های مورد بررسی پایه پنجم ابتدایی، در مجموع ۲۹۷ پیام اقتصادی شناسایی و تفکیک گردیده است که ۳۵/۶۹ درصد آنها در کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۸/۴۱ درصد آنها در کتاب هدیه‌های آسمان، ۳/۰۳ درصد آنها در کتاب قرآن، ۴۴/۱ درصد آنها در کتاب تعلیمات اجتماعی و ۸/۷۵ درصد آنها در کتاب علوم ارائه گردیده است. روش ارائه ۶۶/۳۲ درصد پیام‌ها مستقیم و روش ارائه ۳۳/۶۷ درصد آنها به صورت غیرمستقیم است. همچنین در کتاب‌های مورد بررسی، ۲۵/۹۲ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۱۴/۴۷ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۴۴/۱ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، ۱۰/۱ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار و ۵/۳۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل ارائه شده‌اند.

پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۹/۴۲ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۳۴/۶۸ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با توسعه اقتصادی، ۳/۳۶ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار و ۴/۰۴ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل با روش مستقیم ارائه شده‌اند. همچنین، ۱۱/۱۱ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، ۵/۰۵ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کلان، ۹/۴۲ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط

با توسعه اقتصادی، ۶/۷۳ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد کار و ۱/۳۴ درصد پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد بین‌الملل با روش غیرمستقیم ارائه شده‌اند (جدول ۱۳).

جدول ۱۳. شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی پایه پنجم ابتدایی

روش	مفهوم	اقتصاد خرد	اقتصاد کلان	توسعه اقتصادی	اقتصاد کار	اقتصاد بین‌الملل	جمع
مستقیم	۴۴ (۱۴/۸۱٪)	۲۸ (۹/۴۲٪)	۱۰۳ (۳۴/۶۸٪)	۱۰ (۳/۳۶٪)	۱۲ (۴/۰۴٪)	۱۹۷ (۶۶/۳۲٪)	
غیرمستقیم	۳۳ (۱۱/۱۱٪)	۱۵ (۵/۰۵٪)	۲۸ (۹/۴۲٪)	۲۰ (۶/۷۳٪)	۴ (۱/۳۴٪)	۱۰۰ (۳۳/۶۷٪)	
کل	۷۷ (۲۵/۹۲٪)	۴۳ (۱۴/۴۷٪)	۱۳۱ (۴۴/۱٪)	۳۰ (۱۰/۰۹٪)	۱۶ (۵/۳۸٪)	۲۹۷ (۹۹/۹۹٪)	

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی مختلف پایه پنجم با روش ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است. هم‌چنین، ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی در زمینه اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل با روش ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است (جدول ۱۴).

جدول ۱۴. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در پایه پنجم

$P\text{-Value}$	df	χ^2	
۰/۰۰۰	۴	۴۳/۹۸	روش × کتاب
۰/۰۰۰	۴	۲۶/۹۷	روش × مفهوم

در یک چشم‌انداز کلی می‌توان گفت که حدود ۱۴/۸ درصد پیام‌های موجود در کتاب‌های درسی پایه پنجم ابتدایی به مباحث اقتصادی اختصاص یافته است. در مجموع، ارائه پیام‌های اقتصادی بیشتر از طریق کتاب‌های تعلیمات اجتماعی دنبال شده است؛ به طوری که ۲۵/۲۴ درصد پیام‌های کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، ۱۷/۰۹ درصد پیام‌های کتاب بنویسیم و بخوانیم، ۷/۵ درصد پیام‌های کتاب علوم، ۷/۰۶ درصد پیام‌های کتاب هدیه‌های آسمان و ۵/۴۵ درصد پیام‌های کتاب قرآن به پیام‌های اقتصادی اختصاص یافته است (جدول ۱۵).

۶۱ بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

جدول ۱۵. نسبت پیام‌های اقتصادی به کل پیام‌ها و نحوه ارائه آنها در متن کتاب‌های درسی پایه

پنجم

کتاب	فارسی	هدیه‌های آسمان	قرآن	تعلیمات اجتماعی	علوم	روش
مستقیم	۸/۳۸	۲/۸۲	۳/۶۳	۱۹/۸۴	۷/۵۱	
غیرمستقیم	۸/۷	۴/۲۳	۱/۸۱	۵/۳۹	-	
کل	۱۷/۰۸	۷/۰۵	۵/۴۴	۲۵/۲۳	۷/۵۱	

۱۳. بررسی توزیع پیام‌های اقتصادی در دوره ابتدایی

بررسی شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی بر حسب پایه

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در متن دروس کتاب‌های درسی پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی مستقل از روش ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) است و بین این دو متغیر ارتباطی وجود ندارد (جدول ۱۶).

جدول ۱۶. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در پایه اول تا پنجم ابتدایی

P-Value	df	χ^2
۰/۱۳۵	۴	۷/۰۲۶

جدول ۱۷. میزان استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه پیام‌های اقتصادی در

پایه‌های اول تا پنجم ابتدایی

پایه	مستقیم		غیرمستقیم		جمع کل	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
اول	۵/۵	۳۰	۹	۶۰	۶/۸	۳۰
دوم	۸	۴۴	۹/۶	۷۶	۸/۶	۴۴
سوم	۲۲/۹	۱۲۵	۲۵	۲۰۸	۲۳/۷	۱۲۵
چهارم	۲۷/۳	۱۴۹	۲۶/۲	۲۳۶	۲۶/۹	۱۴۹
پنجم	۳۶/۱	۱۹۷	۳۰	۲۹۷	۳۳/۸	۱۹۷
جمع	۱۰۰	۵۴۵	۱۰۰	۸۷۷	۱۰۰	۵۴۵

بررسی شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی بر حسب کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی مختلف دوره ابتدایی با روش مورد استفاده (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است. به عبارت دیگر، میزان استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های مختلف متفاوت است؛ به طوری که در کتاب‌های قرآن، تعلیمات اجتماعی و علوم بیشتر از روش مستقیم و در کتاب‌های هدیه‌های آسمان و فارسی بیشتر از روش غیرمستقیم استفاده شده است (جدول ۱۸).

جدول ۱۸. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

P-Value	df	χ^2
۰/۰۰۰	۴	۱۰۴/۵۹

جدول ۱۹. میزان استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

کتاب	روش مستقیم		غیرمستقیم		جمع کل	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
فارسی	۱۸۱	۳۳/۲	۱۸۸	۵۶/۶	۳۶۹	۴۲
هدیه‌ها	۱۲	۲/۲	۲۶	۷/۸	۳۸	۴/۳
قرآن	۱۳	۲/۳	۹	۲/۷	۲۲	۲/۵
اجتماعی	۲۳۵	۴۳/۱	۱۰۶	۳۱/۹	۳۴۱	۳۸/۸
علوم	۱۰۴	۱۹	۳	۰/۹	۱۰۷	۱۲/۲
جمع	۵۴۵	۱۰۰	۳۳۲	۱۰۰	۸۷۷	۱۰۰

بررسی شیوه ارائه پیام‌های اقتصادی بر حسب نوع مفاهیم و پیام‌ها

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که ارائه پیام‌های اقتصادی در متن کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی در زمینه اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، اقتصاد کار و اقتصاد بین‌الملل با روش ارائه (مستقیم و غیرمستقیم) ارتباط داشته است. به عبارت دیگر، میزان استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه پیام‌های اقتصادی متفاوت بوده است؛ به طوری که مفاهیم مربوط به اقتصاد

۶۳ بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی

خرد، کلان، توسعه و بین‌الملل بیشتر به شیوه مستقیم و مفاهیم مربوط به اقتصاد کار بیشتر به شیوه غیرمستقیم ارائه شده‌اند (جدول‌های ۲۰ و ۲۱).

جدول ۲۰. آماره‌های آزمون برای مقایسه توزیع پیام‌های اقتصادی در دوره ابتدایی

(برحسب نوع پیام‌ها و مفاهیم)

$P\text{-Value}$	df	χ^2
۰/۰۰۰	۴	۱۰۹/۴۴

جدول ۲۱. میزان استفاده از روش مستقیم و غیرمستقیم برای ارائه پیام‌های اقتصادی در ارتباط با اقتصاد خرد، کلان، توسعه اقتصادی، کار و بین‌الملل

مفهوم	روش		غیرمستقیم		جمع کل	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
خرد	۱۳۴	۲۴/۵	۱۲۶	۳۷/۹	۲۶۰	۲۹/۶
کلان	۵۲	۹/۵	۴۰	۱۲	۹۲	۱۰/۴
توسعه	۲۹۱	۵۳/۳	۷۲	۲۱/۶	۳۶۳	۴۱/۳
کار	۴۷	۸/۶	۸۸	۲۶/۵	۱۳۵	۱۵/۳
بین‌الملل	۲۱	۳/۸	۶	۰/۶۸	۲۷	۳
جمع	۵۴۵	۱۰۰	۳۳۲	۱۰۰	۸۷۷	۱۰۰

۱۴. نتیجه‌گیری و بحث

- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در مفاهیم اقتصاد کار، همواره کار و فعالیت به عنوان یک ارزش مورد تأکید قرار گرفته است. نتایج پژوهش اسماعیلی (۱۳۷۸) نشان داده است که مفهوم کار و فعالیت به عنوان یک ارزش از بیشترین میزان فراوانی در کتاب‌های درسی فارسی اول تا پنجم ابتدایی برخوردار است.
- یافته‌های پژوهش بیانگر این نکته است که مشاغل متنوع با فراوانی قابل توجهی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی مطرح شده است. اما بیشتر این مشاغل سنتی است و به مشاغل جدید کمتر توجه شده است. همچنین، یافته‌های پژوهش شهبازی (۱۳۷۳) نشان

- داد که ۵۴ درصد مشاغل مطرح شده در کتاب‌های درسی فارسی و تعلیمات اجتماعی دوره ابتدایی مشاغل سنتی و ۴۶ درصد آنها مشاغل جدید هستند.
- یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد اگر چه در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی مشاغل فراوانی معرفی شده‌اند، اما در این کتاب‌ها به موضوع راهنمایی شغلی توجه چندانی نشده است. یافته‌های پژوهش شهبازی (۱۳۷۳) نشان می‌دهد که به امر راهنمایی شغلی در دوره ابتدایی توجه چندانی نشده است.
 - یافته‌های پژوهش بیانگر این نکته بود که بیشتر مفاهیم اقتصادی به وسیله کتاب‌های تعلیمات اجتماعی ارائه شده است و فراوانی مفاهیم اقتصادی در کتاب تعلیمات اجتماعی پایه پنجم در مقایسه با پایه‌های سوم و چهارم، افزایش داشته است. البته در کتاب‌های درسی فارسی دوره ابتدایی نیز مفاهیم اقتصادی به میزان زیادی ارائه شده‌اند؛ به طوری که بعد از کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، این کتاب‌ها بیشترین مفاهیم اقتصادی را به خود اختصاص داده‌اند. بعد از کتاب‌های فارسی، بیشترین پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی به ترتیب در کتاب‌های علوم، هدیه‌های آسمان و قرآن ارائه شده است.
 - اگرچه یافته‌های پژوهش حاضر بیانگر این نکته است که ارائه مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های پایه اول تا پنجم ابتدایی به صورت تصاعدی افزایش داشته است. اما این روند فراز و نشیب‌هایی دارد و دارای حرکت متعادلی نیست؛ به طوری که مفاهیم اقتصادی برخی کتاب‌ها نسبت به پایه قبل کاهش یافته است.
 - با توجه به یافته‌های پژوهش، در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی، مفاهیم مربوط به توسعه اقتصادی از بیشترین میزان فراوانی برخوردارند و بعد از آن مفاهیم اقتصاد خرد و اقتصاد کار به ترتیب دارای بیشترین میزان فراوانی هستند و مفاهیم اقتصاد کلان و اقتصاد بین‌الملل نیز به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند.
 - یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که ارائه مفاهیم اقتصادی به دانش‌آموزان دوره ابتدایی بیشتر از طریق نظری صورت گرفته است و به شیوه‌های فعال و عملی در ارائه این مفاهیم چندان توجهی نشده است. یافته‌های پژوهش لنی و همکاران (۱۹۹۶) آشکار کرد که آموزش مفاهیم اقتصادی با استفاده از شیوه‌های فعال و مشارکتی باعث یادگیری و نگهداری ذهنی بهتر مفاهیم اقتصادی در بچه‌های دبستانی می‌شود.

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۶۵

- یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که مفاهیم مربوط به اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی و اقتصاد بین‌الملل بیشتر به شیوه مستقیم و مفاهیم مربوط به اقتصاد کار بیشتر به شیوه غیرمستقیم ارائه شده‌اند و به‌طور کلی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی بیشتر از شیوه مستقیم برای ارائه مفاهیم اقتصادی استفاده شده است.
- یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ارائه مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های مختلف متفاوت است؛ به‌طوری که مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های تعلیمات اجتماعی، علوم و قرآن بیشتر به شیوه مستقیم و در کتاب‌های فارسی و هدیه‌های آسمان بیشتر به شیوه غیرمستقیم ارائه شده‌اند.
- یافته‌های پژوهش‌های باریس (۱۹۸۳)، عسیران و اینز (۱۹۸۴)، برتی و بامبی (۱۹۸۸)، لیزر، سون و لوی (۱۹۹۰)، شوگ (۱۹۹۱)، بان و همکاران (۱۹۹۹)، هاسکل و جنکینز (۲۰۰۲)، هاریو، کراز و لیدی (۲۰۰۲)، کافل و نیتزل (۲۰۰۵) و فارنهام (۲۰۰۵) آشکار کرد که سن و سطح رشد کودک عامل مهمی در درک مفاهیم اقتصادی است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز نشان می‌دهد که ارائه مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به میزان قابل توجهی براساس مبانی روان‌شناختی و مراحل رشد صورت گرفته است؛ به نحوی که مفاهیم ساده‌تر مانند خرید، فروش، تولید، بازار و کالا در همه پایه‌ها مطرح گردیده‌اند و مفاهیم مشکل‌تر مانند درآمد، مالیات، صادرات و واردات از پایه سوم به بعد مورد توجه قرار گرفته‌اند.
- در هر سه کشور مورد بحث، هدف از طرح موضوعات و مفاهیم اقتصادی در برنامه درسی آماده کردن دانش‌آموزان برای ورود به دنیای کار و تربیت شهروندان آگاه و مسئول بود. اما در کشور ما هماهنگی لازم بین اهداف و محتوا وجود ندارد و محتوای بیان شده برای تحقق اهداف کافی نیست.

۱۵. پیشنهادها

- با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود که مفاهیم اقتصادی به ویژه مفاهیم مربوط به اقتصاد خرد و اقتصاد کلان، به گونه‌ای هماهنگ و متعادل مطرح شوند و بیشترین میزان فراوانی‌ها به مفاهیم خاصی اختصاص نیابد.

- به علت عدم آگاهی در جامعه ما چه در سطح خرد و چه در سطح کلان همیشه منابع زیادی نابود می‌شوند و یا از آنها به خوبی استفاده نمی‌شود. قطع بی‌رویه درختان و تبدیل جنگل‌ها به بیابان، استفاده نادرست از منابع انرژی (آب، برق، گاز، نفت و...)، استفاده از تجملات غیرضروری، آلودگی محیط زیست، مصرف نادرست نان و دیگر مواد خوراکی و ... همگی مسائل و مشکلاتی هستند که رفع آنها نیاز به فرهنگ‌سازی دارد. در این راستا کتاب‌های درسی دوره ابتدایی با معرفی شیوه‌ها و الگوهای صحیح می‌توانند نقش مهمی را ایفا نمایند.
- به علت نبود مشاور در دوره ابتدایی و از آنجا که تعداد قابل توجهی از دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی ترک تحصیل می‌کنند، ضرورت دارد در متن کتاب‌های درسی این دوره، موضوع راهنمایی شغلی مورد تأکید بیشتری قرار گیرد.
- با توجه به یافته‌ها، پژوهش حاضر تنها پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی موجود در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی را مورد بررسی قرار داده است. بنابراین، پیشنهاد می‌شود پژوهشی در رابطه با پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی موجود در تصاویر کتاب‌های درسی دوره ابتدایی انجام گیرد تا مشخص شود، تصاویر کتاب‌های درسی تا چه میزان حاوی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی هستند.
- از آنجا که در پژوهش حاضر تلاش شد تا مفاهیم اقتصادی موجود در متن کتاب‌های درسی دوره ابتدایی مورد بررسی قرار گیرد و به دلیل اینکه بخش بیشتر کتاب‌های ریاضی را تصاویر و تمرین‌ها تشکیل می‌داد، این کتاب‌ها مورد بررسی قرار نگرفتند. اما به لحاظ اینکه بخش تمرین‌های کتاب‌های یادشده حاوی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی مهمی است، از این رو پیشنهاد می‌شود که پژوهشی درباره مفاهیم و موضوع‌های اقتصادی مطرح شده در تمرین‌های کتاب‌های ریاضی دوره ابتدایی انجام گیرد.
- نتایج پژوهش نشان می‌دهد که در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی، ارائه پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی بیشتر از روش نظری صورت می‌گیرد. اگرچه ارائه نظری مفاهیم اقتصادی بخشی از آموزش اقتصاد است اما همه آن نیست و لازم است به شیوه‌های عملی و فعال هم توجه شود. براین اساس پیشنهاد می‌شود بخش پایانی هر درسی که مربوط به مفاهیم و پیام‌های اقتصادی است به فعالیت‌هایی اختصاص یابد که به دانش‌آموزان در درک

بررسی پیام‌ها و مفاهیم اقتصادی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی ۶۷

مفاهیم اقتصادی کمک کند. با استفاده از شیوه‌های فعال، مفاهیم اقتصادی بهتر آموخته می‌شوند. اجرای نمایش، همکاری و تعاون، تقسیم وظایف، تدارک برنامه‌های گردش علمی، بازدید از مؤسسات و کارخانه‌ها، به‌کارگیری روش حل مسئله و برگزاری جلسات سخنرانی با حضور افراد شاغل در بخش‌های مختلف جامعه، شیوه‌های خوبی هستند که مدرسه می‌تواند با به‌کارگیری آنها آموزش اقتصاد به کودکان را غنا بخشد.

- با توجه به نتایج، پژوهشی درباره میزان تناسب مفاهیم و پیام‌های اقتصادی با سطح درک دانش‌آموزان انجام شود تا میزان دقیق همخوانی این مفاهیم با سطح درک دانش‌آموزان مشخص شود.
- پیشنهاد می‌شود پژوهشی در مورد میزان استفاده از روش‌های آموزش اقتصاد در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی انجام گیرد تا از این روش مشخص شود که برای ارائه مفاهیم اقتصادی به دانش‌آموزان، از چه شیوه‌هایی استفاده گردیده است.

منابع

الف - فارسی

- اسماعیلی، رضا (۱۳۷۸)، «تحلیل محتوای کتب فارسی دوره ابتدایی»، چکیده تازه‌های تحقیق در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی ایران، دوره هفتم، شماره ۲، چکیده شماره ۲۶.
- اقبال، فریما (۱۳۶۳)، «بررسی محتوای کتاب‌های دوره پنج‌ساله ابتدایی در رابطه با ارزش‌های اجتماعی - فرهنگی»، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر پژوهش و برنامه‌ریزی فرهنگی، دولتی و علوم تربیتی.
- شهبازی، وهاب (۱۳۷۳)، بررسی محتوای کتاب‌های درسی تعلیمات اجتماعی و فارسی دوره ابتدایی از نظر انطباق با اهداف راهنمایی شغلی در این دوره از نظر رابرت هاپاک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- نظری، خسرو (۱۳۷۵)، بررسی مفاهیم شغلی مطرح شده در کتاب‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی و مقایسه آن با مشاغل جامعه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

ب- انگلیسی

- Abbott, I. (2002), "Vocational General Certificate of Secondary Education (GCSE): Education, Training and the World of Work", Paper Presented to IVETA International Conference, Mauritius, 21-24 July.
- Abbott, I. (2003), *Economic Education in England*, <http://www.sowi-onlinejournal.De/2003-2/index.Html>.
- Akaka, D. K. (1999), "Akaka Bill Champions Economic Education", *Retrieved*, Vol. 99, No. 1, pp. 12-14.
- Banaszak, R. A. (1987), *The Nature of Economic Literacy*, ERIC Digest, 41, Bloomington, IN: ERIC Clearinghouse for Social Studies/ Social Science Education, (ERIC Document Reproduction Service NO, ED 284 823).
- Bonn, M., et al (1999), "South African Children's Views of Wealth, Poverty, Inequality and Unemployment", *Journal of Economic Psychology*, Vol. 20, No. 5, pp. 593-612.
- Brenner, L. (1999), "What We Need to Know Money", *Journal of Parade*, pp. 4-7.
- Buckles, S. and M. Watts (1998), "National Standards in Economics, History, Social Studies, Civic and Geography: Complementaries, Competition or Peaceful Coexistence?", *Journal of Economic Education*, Vol. 1, No. 29, pp. 157-166.
- Caplan, B. (2003), *Straight Talk about Economic Literacy*, George Mason University, Department of Economics, <http://www.Mercatus.org/repository/doclib/2006>.
- Chafel, J. A. and C. Netzel (2005), "young Children's Ideas about the Nature, Causes, Justification and Alleviation of Poverty", *Early Childhood Research Quarterly*, Vol. 20, No. 40, pp. 433-450.
- Furnham, A. (2005), "Understanding the Meaning of Tax: Young People's Knowledge of Principles of Taxation", *The Journal of Socio-Economic*, Vol. 34, No. 5, pp. 703-713.
- Haskel, J. and S. J. Jenkins (2002), "Teaching Economic Principles Through Literacy Methods", Idaho State University, Journal Academy for Economic Education in Internet Division.
- Laney, J. D., et al (1996), "The Effect of Cooperative and Mastery Learning Methods on Primary Grade Student's Learning and Retention of Economic Concepts", *Early Education and Development*, Vol. 7, No. 3, pp. 253-276.
- Lieiser, D. and R.B. Halachmi (2006), "Children's Understanding of Market Forces", *Economic Psychology Journal*, Vol. 27, No. 1, pp. 6-19.
- Meszaros, B. (1997), "Economic Standards: A Guide for Curriculum Planners", *Social Education*, Vol. 61, No. 1, pp. 324-327.
- Miller, R. L. (1988), *Economic Education for Citizenship*, Bloomington, IN: ERIC Clearinghouse for Social Studies/ Social Science Education, (ERIC

- Document Reproduction Service No, Ed 296 947).
- Nelson, L. R. (1997), *Recent Trend in Economic Education*, Blomington, IN: ERIC Clearinghouse for Social Studies/ Social Science Education, Bloomington IN: (ERIC Document Reproduction Service No, Ed 412 171).
- Ohanian, S. (2000), "Goals 2000: What's in a Name?", *Kappan*, Vol. 81, No. 15, pp. 345-366.
- Osseiran Waines, N. (1984), "Development of Economic Concepts Among Egyptian Children", *Journal of Cross- Cultural Psychology*, Vol. 15, No. 1, pp. 47-64.
- Rodgers, Y., Hawthorne, S. and R. C. Wheeler (2003), "Economic Literacy Among Primary Grades Students", Econkids Working Paper Series, Working Paper.
- Rodgers, Y., Hawthorne, S. and R. C. Wheeler (2006), "Teaching Economics Through Children's Literature in Primary Grade", Newjersy: Econkids Working Paper Series, Working Paper.
- Santomero, A. (2003), *Knowledge is Power: Importance of Economic Education*, Westchester: Westchester University Press.
- Saunders, P. S., et al (2003), *A Framework for Teaching The Basic Economic Concepts*, Washington D.C: National Council on Economic Education.
- Schug, M. C. (1991), *The Development of Students Economic Thought: Implications for Instruction*, Washington D.C: NEA Professional Library.
- Seiter, D. M. (1988), *Economics in The Curriculum*, ERIC Digest, Bloomington, IN: ERIC Clearinghouse for Social Studies/ Social Science Education, (ERIC Document Reproduction Service NO, ED 304 396).
- Shapiro, J. J. (1996), *Dimensions of Literacy*, <http://dimensions of literacy. Wikispaces. Com/Token>.
- Siegfrid, J. J. (2000), "How Many College Students Are Exposed to Economics?", *Journal of Economic Education*, Vol. 31, No. 2, pp. 202-204.
- Training Agency (1990), *Business Education: A handbook for School*, Sheffield: Training Agency TVEI Support Unit.
- Walstad, W. B. (2005), *Economics in U.S. High School, Lecture in Nation Summit on Economic Education in Japan*, <http://www.esri. Go.jp/workshop>.
- Young Kim, C. (2000), *Comperative Study on Economic Education: Korean and Japanese School*, <http://www.Nira.go.Jp/publ/review/2000 spring/pdf>.